

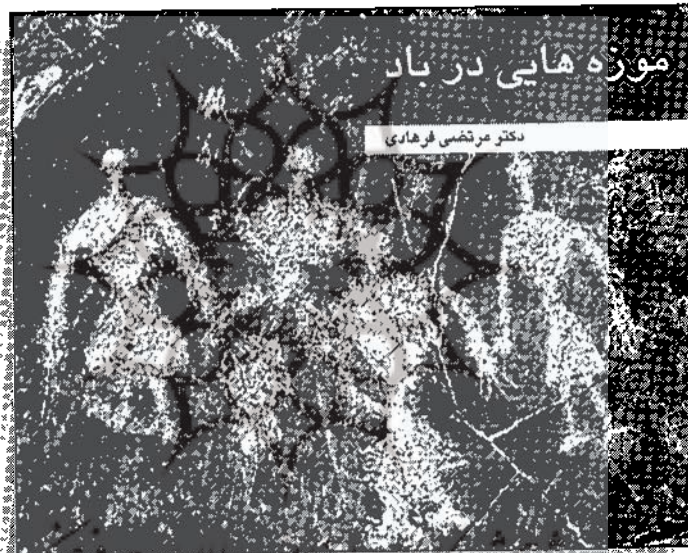
# سیاحت سفره های سنگی

● ابراهیم زارعی

■ موزه‌هایی در یاد

■ دکتر مرتضی فرهادی

■ انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی / اسفند ۱۳۷۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دسترسی به شاهدان عینی، لزوماً به مطالعه هر گونه رد پای آدمی بر این کره خاکی می‌پردازند. در این خصوص بررسی سنگ‌ها و صخره‌های منقوش و سایر آثار، اشیاء و ابزارهای بازمانده از قرون گذشته واجد اهمیتی ویژه خواهند بود. به نظر می‌رسد این پژوهش نیز به گونه‌ای بنیادین به این مهم توجه کرده و نویسنده به معرفی تفصیلی عظیم‌ترین مجموعه نقوش حکاکی شده و صخره‌ای ایران در چندین منطقه به هم پیوسته از کشورمان ناظر آمده است. نقوشی که به وضوح با هنر رسمی دوران هخامنشیان و ساسانیان تفاوت داشته و محصول کار هنرمندان حرفه‌ای زمانه خود نبوده است. بلکه توسط مردمانی ساده در روزگاران پیشین خلق شده و در آن صحنه‌هایی کمیاب نظیر پهلوان‌های اسطوره‌ای، انسان بالدار و صحنه زایش آدمی به تصویر

اساسی این پژوهش به بررسی نقوش و نمادنگاری‌های صخره‌ای در بخش‌هایی از سرزمین ایران اختصاص یافته است، تحولی در نگرش به پیشینه میراث فرهنگی کشور و نیز تاریخ هنر و خط ایران ایجاد خواهد کرد.

بدون تردید هنر سنگ‌نگاری و حکاکی نقوش بر صخره‌ها در تاریخ تمدن بشر جایگاه خاصی داشته است. انسان در هر زمانه‌ای فارغ از تاریخ فرهنگ و تمدن خویش نیست و برای درک عمیق‌تر آنچه شرایط امروزی او را ساخته است به مطالعه سیر تحول زندگی نیاکان خویش پرداخته و افکار، آراء، اسطوره‌ها، هنر، معماری و ابزارها و نمادهای بیجامانده را بررسی و در مدار توجه خویش قرار می‌دهد.

پژوهشگران اجتماعی به دلیل محدودیت ناشی از

موزه‌هایی در یاد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی هنر، (گزارش مجموعه سنگ نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌ای تیمره) دربرگیرنده گزارش مفصل یک تحقیق بنیادی در حوزه مردم‌شناسی هنر پیش از تاریخ ایران است. این کتاب نوشته‌ای پژوهشی از دکتر مرتضی فرهادی عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است. این کتاب که در اسفندماه ۱۳۷۷ در ۴۱۸ صفحه و با ۲۴۸ تصویر رنگی اثر ۲۴ هنرمند عکاس، به همراه طرح‌های فراوان توسط انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی منتشر شد، نوید بخش انجام پژوهش‌های گسترده‌تری در حوزه مباحث مربوط به مردم‌شناسی هنر، تاریخ هنر، زبان‌شناسی، باستان‌شناسی و حتی پژوهش‌های نوین ایرانگردی و جهانگردی در کشور خواهد بود. از آنجا که محتوای

کشیده شده‌اند. بدین لحاظ می‌توان گفت اهداف آنان با آنچه که هنرمندان ایرانی در دوران تاریخی خلق کرده‌اند، هم از لحاظ سبک و محتوا و هم درجه مهارت و سطح فن‌آوری کاملاً متفاوت و متمایزند. این نقوش هم چنین با آنچه که در تخت جمشید (پارسه)، نقش رستم، بیشاپور، تنگ چوگان، بیستون، گنج‌نامه (همدان) و تنگ واشی (از دوره قاجاریه) حکاکی شده‌اند تفاوت کلی دارد.

نقوش نویافته موزه‌هایی در باد را هر چند مردمانی ساده و بنا به نظر پژوهشگر، غالباً شکارچیان دوران‌های پیش از تاریخ، در هنگام فراغت و انتظار و یا در مواقع خاصی از سال به نیت افزایش و زایش شکار و یا کامیاری در شکار، در گذرگاهها و در گله‌های شکار بر صخره‌های کوهستانی نقاشی کرده‌اند، اما اهمیت آنها از نظر کثرت نقوش، نشانه‌های نمادین، گستره کار، قدمت و تنوع مضمون دارای ارزش‌های ویژه هنری، مردم‌شناسی و زبان‌شناختی است. زیرا بنا به نظر محقق این نمادها و خطوط احتمالاً به دوران ما قبل خطوط هیروگلیف تعلق دارند و یا نوعی خط شجره‌ای ماقبل تاریخی به شمار می‌آیند. البته در کنار این نمادها به تعدادی کتیبه‌های پهلوی، عربی و فارسی نیز برخورد می‌کنیم که اهمیت آنها در برابر آن علائیم پراکنده و ظاهراً ماقبل تاریخی چندان نیست و گشودن رازهای پنهان در این نشانه‌های بازمانده از هزاره‌های پیشین به گونه‌ای که بیان شد، پژوهش‌های گسترده‌تری را از جانب نشانه‌شناسان و خط‌شناسان می‌طلبد. نشانه‌هایی که مردمان روزگاران سپهری شده، بر اساس آن رمز، اندیشه و رازهایی از شیوه زیستن خود را به گونه‌ای ساده و انتزاعی و با هدف‌ها و معانی که باید بازخوانی شوند به یادگار گذاشته‌اند.

در مورد کثرت نقوش و کمیت آن نگارنده اثر تعداد این نگاره‌ها را تنها در منطقه تیمره تاریخی و بخش‌های پیوسته پیرامونی آن بالغ بر ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نگاره برآورد کرده است. به علاوه باید تنگ پر نگاره غرقاب- قیدو در مرز شهرستان‌های خمین و گلپایگان و... را که تعداد آنها بین ۵۰۰۰-۳۰۰۰ نگاره خمین زده شده است. به این مجموعه اضافه نمود (فرهادی ص ۱۲۹)

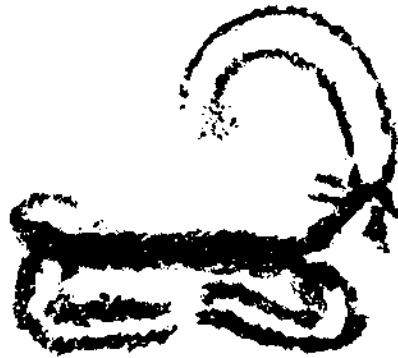
البته از آنجایی که مؤلف برای اولین بار در ایران به این مجموعه عظیم پرداخته است، انتظار می‌رود پژوهشگران داخلی و خارجی جهت بررسی ابعاد دیگر این نقوش به مناطق مورد تحقیق سفر کرده و هر یک با توجه به تخصص و علاقه خویش جنبه‌های گوناگون این مجموعه پراکنده در دره‌ها و کوهستان‌ها را که قدمتی به درازای تاریخ بشر هنرمند سرزمین کهن ایران داشته است بررسی کنند. و خواننده می‌تواند به این نتیجه برسد که قدمت غالب این سنگ‌نگاره‌ها از پیش از اسلام تا عصر حجر می‌رسد و بیانگر تداوم هنر و فرهنگ شکارچیان سرزمین ما در یک دوره فرهنگی از ۱۴۰۰ تا ۳۰۰۰۰ سال پیش است با این دیدگاه می‌توان گفت که این نقوش حکاکی شده به درستی عنوان «موزه‌هایی در باد» را به خود اختصاص داده‌اند و

شایسته است پژوهشگران، ضمن سیاحتی از این صخره‌های صیوراً به ارائه آثاری جدید در حوزه پژوهش‌های علمی بپردازند. با اطمینان باید گفت، حاصل این سیاحت تماشایی و فراموش نشدنی، تأثیری مناسب در روشن ساختن زوایای تاریک و ناشناخته تاریخ هنر ایران و یافتن جایگاهی شایسته در حوزه تحقیقات ملی و منطقه‌ای خواهد داشت.

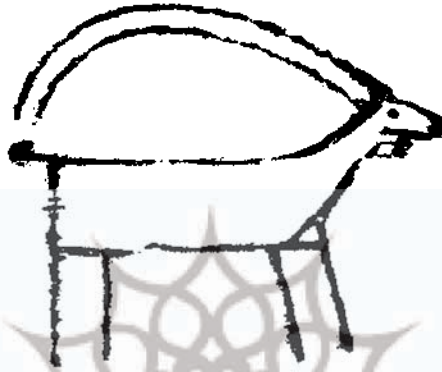
زیرا همانطور که می‌دانیم تاریخ هنر ایران حتی در جدیدترین آنها نیز از حدود ۶ هزار سال و از نقوش سفالینه‌ها شروع می‌شوند.

موزه‌های نویافته تیمره و... که در این پژوهش مورد بررسی و شناخت علمی قرار گرفته و در سطحی قابل قبول معرفی شده‌اند، در هیچ یک از کتاب‌های تاریخ هنر ایران که به قلم صاحب‌نظران، باستان‌شناسان و نویسندگان تاریخ هنر نوشته شده‌اند انعکاسی نیافته‌اند. حتی پژوهشگر بزرگی چون «گیرشمن» از وجود چنین نقوشی اظهار بی‌اطلاعی کرده و در سال ۱۹۶۸ در پاسخ به نامه رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی ایران می‌نویسد: «در طول تمام تجسس‌هایی که درباره کارهای مربوط به غارهای میهن شما انجام یافته، اعم از آنچه اینجانب در کوه‌های بختیاری به عمل آورده‌ام و یا آنچه پروفیسور «کارلتون.س. کون» در بیستون و البرز و کوه‌های خراسان معمول داشته و همچنین آنچه به وسیله دانشمندان آمریکایی در افغانستان صورت پذیرفته، در هیچ جا نقاشی‌هایی بر روی بدنه سنگ کوهستان مشهود نیفتاده است...» (ص ۵۷)

برخی دیگر از باستان‌شناسان ایرانی که اشاره‌ای به نقوش صخره‌ای برخی از مناطق ایران دارند، به تبع دکتر دیتریش هوف این نقوش را نقوشی چوپانی و عشایری می‌دانند که البته تعمیم استثناء بر قاعده است. موزه‌هایی در باد علاوه بر آنکه به ابعاد، مضمون و محتوای هزاران سنگ نگاره، نماد و تعدادی کتیبه در تیمره تاریخی که منطقه‌ای به وسعت شهرهای گلپایگان، خوانسار، خمین، محلات، دلجان، الیگودرز و اراک، یعنی منطقه‌ای در محدوده سه استان (اصفهان- لرستان- مرکزی) را شامل می‌شود ارزش‌های دیگری نیز دارد. این کتاب را می‌توان دایرةالمعارفی از نقوش صخره‌ای ایران و جهان تلقی کرد. زیرا با مطالعه این کتاب به نمونه‌ها و شرح و تفصیل و مطالعه تطبیقی هنر سنگ‌نگاری در پنج قاره جهان برخورد می‌کنیم. نویسنده با استفاده از پژوهش‌های انجام شده و ارائه نمونه‌هایی مستند از آنچه تاکنون توسط سایر پژوهشگران کشف شده در حد لزوم به اطلاسی از این کنده‌کاری‌ها در اقصی نقاط کشور اشاره نموده و ضمن حفظ امانت، تمامی مناطق بررسی شده و کشفیات دانشمندان ایرانی را در حوزه‌های متنوع جغرافیای ایران با ذکر منبع، مأخذ، نام محقق و چگونگی کار معرفی نموده است. بدین لحاظ مجموعه‌ای غنی از هنر سنگ‌نگاری در این موزه‌های باستانی، همراه با مطالعه تطبیقی و تحلیلی به صورت دایرةالمعارفی در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است.



نقش کمیاب بز نشسته با گوش و ریش مشخص پایین و شمال مزار هندیا



بز نگاره‌نگاری شده و چشم‌دار صخره کتیبه دار تنگ غرقاب



تنگ غرقاب



بزی که انگار شر خورده است تنگ غرقاب.





در فصل اول بخش اول کتاب نویسنده به پیشینه پژوهش در جهان، آسیا، کشورهای خاورمیانه و پیشینه پژوهش در سطح ملی پرداخته است. در فصل دوم به معرفی مراکز تاریخی و زیرسازهای جغرافیایی منطقه تیمره تاریخی پرداخته و در این فصل نقشه‌ها، کروکی‌ها و تصاویری نو و اکتشافی از پوشش گیاهی، بناهای تاریخی، مراکز قدیمی و شهری منطقه و محل نقوش و کنده کاری‌های صخره‌ای به دست داده است. برخی از این تصاویر که کار چندین ساله تعدادی عکاس هنرمند است برای نخستین بار برخی از بناها و معماری‌های قابل توجه منطقه را معرفی کرده است. مانند مسجد جامع چوبی و دو طبقه محلات و یا «میل میلونه» و برخی بناهای قدیمی نیمه ور و نیز جوی سنگی و یکپارچه خوره، مسجد جامع «مس سر» و غار «چال نخجیر» دلچجان و غیره.

در فصل سوم کتاب نیز نویسنده به تخمین شماره نقوش، اندازه آنها، موضوع نگاره‌ها، نقوش جانوران که شامل انواع پستانداران و از آن جمله پستاندارانی که دیگر در منطقه و یا در سطح ملی وجود ندارند، چونان انواع گوزن، شیر، گورخر، ببر و برخی جانوران عجیب همانند جانور زرده‌دار و سه سم و نیز به معرفی پرندگان حکاکی شده و جانوران اهلی می‌پردازد. این نقوش از آنجایی که حاصل مشاهده مستقیم حکاکان و شکارچیان بوده است می‌تواند مورد استفاده بوم‌شناسان قرار گرفته و براساس آن تغییرات آب و هوایی و زیست بوم منطقه در گذشته شناسایی شود. در همین فصل نویسنده به طبقه‌بندی انواع ابزارها و فراوانی آنها،

همچون مشتاسنگ «بوکس سنگی»، تیر و کمان، کمند، نیزه، چماق، بومرنگ و شمشیر، نیزه دوشاخ و برخی از ابزارهای ناشناخته می‌پردازد، که به این فهرست باید زین و برگ و لگام اسب، افسار شتر و انواعی از لباس و کلاه را نیز افزود. این بخش از کار همچنین می‌تواند مورد توجه ابزارشناسان و نویسندگان تاریخ تکنولوژی قرار گیرد. در پایان این فصل به توصیف صحنه‌های کمیاب چونان پهلوانی که به نظر می‌رسد دارای پاهای حیوانی است و دو جانور زرده‌دار سه سم در دو طرف او قرار گرفته‌اند، جنگ تن به تن آدمی، صحنه زایش آدمی، اسبی که بر جفت مرده خویش می‌گرید، سواران بومرنگ‌انداز، رقص جادویی و گوزن شبح‌مانند (جادوگری در پوست گوزن) و نیز تصاویر انسان‌های بالدار و آنتن‌دار یا لباسی شبیه لباس فضانوردان (صفحه ۱۷۷) و... پرداخته شده است.

فصل چهارم کتاب یکسره به معرفی نمادها و نشانه‌های پیش از تاریخ (خطوط ناشناخته) و همچنین معرفی یک کتیبه پهلوی و چند کتیبه عربی و فارسی و یادگارنویسی می‌پردازد.

بخش دوم کتاب در حقیقت گمانه‌ها و چون و چراهای نویسنده در تحلیل یافته‌هایش می‌باشد. فصل اول این بخش به مسئله هویت نگارگران و رد ضمنی نظریه چوپانی و عشایری بودن این نقوش می‌پردازد.

در فصل دوم ملاک انتخاب منطقه برای نگارگری وجود شکارگاه، آبشخور و آبگاه، بر آفتاب و گرمگاه، گذرگاه شکار و بومگاه و دیدگاه فرهنگی است.

فصل سوم هدف‌های این نگارگری و نظریات موجود در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم به مسئله مهم و ابهامات مربوط به زمان نگاره‌ها می‌پردازد و نویسنده می‌کوشد تا نظر کارشناسان را با مسائل ظریف و قرائن موجود متوجه سازد، که به احتمال این فصل از کتاب بیش از هر فصل دیگر نیاز به پژوهش و زمان‌سنجی‌های عالمانه و نقد و نظر دارد.

بخش سوم کتاب در واقع گزیده‌ای از آلبوم تصاویر نقوش و نمادهای صخره‌ای است که غالباً با زیرنویس‌ها و شرح‌هایی نسبتاً مبسوط همراه است و حاصل کارند تن از عکاسان هنرمند کتاب در مسافرت‌های متعدد و در طول چند سال می‌باشد.

کتاب همچنین دارای ضمیمه‌ای شامل گزارش کنده کاری‌های ۶ منطقه در سیرجان و شهر بابک و نیز تصاویر ضمیمه و کمکی از کنده کاری‌های صخره‌ای ارنا، یزد، سه کنج ماهان کرمان و تصاویری از کنده کاری‌های سیرجان و شهر بابک و تنگ واشی جلیزچند فیروزکوه و تداوم این نگارگری‌های سحرآمیز در میان عشایر کرمان می‌باشد.

بخش چهارم شامل فهرست‌های گوناگون از جمله فهرست نام ۱۲۵ نفر از یاریگران نویسنده شامل همکاران، همسفران، عکاسان، مصاحبه شونده‌گان، منابع کتبی، فهرست نام کسان، مکان‌ها، جانوران، ابزارها و... و همچنین مقدمه‌ای به قلم ویراستار به زبان فارسی و انگلیسی است.